

فرایند بومی‌سازی شاخص‌های تعاملات بین‌المللی در توسعه اقتصادی ایران

فرزانه نقدی - دکترای روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری* - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
مسعود موسوی شفاغی - دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
محسن اسلامی - استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰

چکیده

اگرچه توسعه ابعاد گسترده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، انسانی، و اکولوژیکی را دربر می‌گیرد، توسعه اقتصادی با اثرگذاری و اثرپذیری بر/ از سایر ابعاد توسعه به جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌گذاری ارتقا یافته و با توجه به تحولات و پویایی‌های نظام بین‌الملل در عصر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و به‌ویژه جهانی شدن باور به نقش تعاملات بین‌المللی در تحقق اهداف توسعه اقتصادی تقویت شده است. از این‌رو، بررسی بومی‌سازی شاخص‌های تعاملات بین‌المللی در توسعه اقتصادی می‌تواند نقش مؤثری در تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور ایفا کند. بدین ترتیب، سؤال اصلی این مقاله از دو بخش تشکیل شده است: کدام شاخص‌ها تبیین‌کننده توسعه اقتصادی و تعاملات بین‌المللی در کشورهاست و فرایند تأثیرگذاری شاخص‌های تعاملات بین‌المللی بر توسعه اقتصادی چگونه است؟

برای پاسخ‌دهی علمی به پرسش راهبردی این مقاله ابتدا جمع‌آوری داده‌های ثانویه و تعیین عناصر توسعه اقتصادی و تعاملات بین‌المللی، به‌عنوان متغیر وابسته و مستقل، از طریق مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای، و آکاوی تجربیات سایر کشورها و تنظیم جداول فراوانی شاخص‌ها انجام شد و در مرحله بعد برای آزمون راستی و پایایی داده‌ها داده‌های اولیه (توزیع پرسش‌نامه میان نخبگان و صاحب‌نظران جامعه نمونه) جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های مرتبط با پرسش‌نامه‌ها و آزمون اثرگذاری تعاملات بین‌المللی بر توسعه اقتصادی، از شیوه تحلیل محتوای کمی و کیفی و تحلیل مسیر استفاده شد. بنا بر یافته‌های این پژوهش، متغیر توسعه اقتصادی با متغیر تعاملات بین‌المللی رابطه مستقیم برقرار می‌کند و نحوه بومی‌سازی و مدیریت تعاملات با بازیگران نظام بین‌الملل می‌تواند نتایج ثمربخشی در توسعه اقتصادی کشور به همراه داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: بومی‌سازی، تعاملات بین‌المللی، توسعه اقتصادی، سیاست‌گذاری، معیار شاخص‌گزینی.

مقدمه

توسعه، به‌عنوان فرایندی مستمر و پویا، همواره در مرکز توجه نیازهای بشری قرار داشته است و تغییر و دگرگونی همه‌جانبه را در راستای هدفی مشخص دنبال می‌کند که کاهش نابرابری، ریشه‌کن کردن فقر، و افزایش رفاه و عدالت اجتماعی و درنهایت ارتقای کیفی جوامع انسانی را شامل می‌شود (دیکسون، ۱۳۸۷: ۳۲). در این چارچوب توسعه اقتصادی با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر و از سایر ابعاد توسعه در اولویت سیاست‌گذاری دولت‌ها قرار گرفته است. تا جایی که در عصر ارتباطات و کم‌اثر شدن نقش مرزها و فضاهای زمانی و مکانی و آسان‌تر شدن جابه‌جایی سرمایه‌های انسانی، پولی، و اطلاعاتی، سهم‌خواهی دولت-ملت‌ها از قدرت و ثروت جهانی در این عرصه عظیم و فراگیر تقاضا و عرضه، تجارت و ثروت‌اندوزی برای افزایش سطح رفاه نسل حاضر و تأمین نیازهای نسل آتی در راستای اهداف توسعه پایدار بیش از پیش بر اهمیت واکاوی آسیب‌ها و نیازسنجی‌های اقتصادی و ارائه راهبردهای تعاملات بین‌المللی افزوده است.

با این توصیف، می‌توان گفت، امروزه، سیاست‌گذاری برای تحقق توسعه پایدار اقتصادی و پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان، شاخص‌هایی همچون ارتقای پایدار سطح کیفی و استانداردهای زندگی شهروندان، کاهش پایدار فقر، ارتقای پایدار ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و زیست‌محیطی را شامل می‌شود و نیازمند برقراری تعامل و ارتباط معنادار میان مصالح، نیازها و ساختارهای داخلی، و تعامل با رویدادها و تحولات نظام بین‌الملل است. جمهوری اسلامی در منطقه‌ای مستقر است که در یک طرف روسیه، ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان، و گروه‌های افغانی و عراقی و در قطب دیگر آمریکا، اسرائیل، شورای همکاری خلیج فارس، و مصر قرار گرفته است. عربستان سعودی، ضمن گسترش همکاری‌های استراتژیک با اسرائیل، در زمینه‌های فنی، بازرگانی، امنیتی، و نظامی نیز با آن کشور و سایر دولت‌های غربی تعاملات فشرده‌ای برقرار کرده است. عراق و ترکیه نیز به‌صورت متناوب و موضوعی با این دو قطب همکاری می‌کنند. به‌طور مثال، ترکیه با وجود همکاری با ایران درباره اقلیم کردستان، در زمینه مسائل اقتصادی و نظامی با اسرائیل همکاری می‌کند و در شرایطی که به‌نظر می‌رسد آمریکا جایگاه بین‌المللی خاصی برای روسیه قائل نیست، اکثریت نخبگان هیئت حاکمه روسیه به دنبال رسیدن به تفاهم با اروپا یا آمریکا و عادی‌سازی روابط خود با قدرت‌های دنیا هستند (سریع‌القلم، ۱۳۹۶).

با توجه به ضرورت گسترش و تنوع همکاری میان کشورها پس از جنگ‌های جهانی و در راستای اهداف توسعه پایدار، پژوهشگران روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از بُعد داخلی بر ضرورت اجرای شاخص‌های حکمروایی خوب و در بُعد خارجی بر تعدیل رویکرد سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی با دیپلماسی اقتصادی و در نتیجه ایجاد بسترهای لازم برای تعامل سازنده و مؤثر منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارند. به تعبیر واعظی، دستیابی به اهداف توسعه (اقتصادی) در منطقه‌ای مانند خاورمیانه نیازمند برقراری ثبات و نقش‌پذیری فعال در گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری فعال در تعامل با کشورهای همسایه و سایر کشورهاست. وی با تأکید بر لزوم اتخاذ یک راهبرد منسجم و مشخص برای تنظیم روابط و تعاملات اقتصادی و سیاست خارجی برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور معتقد است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی متکی بر راهبردهای کوتاه‌مدت، غیرواقعبینانه و تناقض‌آمیز، و فاقد استراتژی عمل‌گرایانه است که به همراه ساختارهای ضعیف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی درنهایت به تضعیف موقعیت و اعتبار جهانی و امنیتی شدن چهره آن، افزایش تنش‌های منطقه‌ای، و تبدیل نظام ج.ا. ایران به تهدیدی جدی در بین‌الملل و در نتیجه کاهش انتخاب‌های استراتژیک این کشور منجر شده است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲۰-۳۲۸).

نجفی و عسگری نیز، با تأکید بر نقش دیپلماسی اقتصادی در روابط و سیاست جهانی، بر این باورند که کشورها با استفاده از ابزار سیاسی و اقتصادی نظیر تحریم و صادرات اسلحه در جهت تأمین اهداف سیاسی و اقتصادی بهره‌مند

می‌شوند. همان‌گونه که دولت امریکا با استفاده از روابط سیاسی و قدرت اقتصادی خود در سطح بین‌الملل و ضعف جمهوری اسلامی در سیاست‌گذاری تعاملات بین‌المللی تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران را به سمت تحریم‌های چندجانبه هدایت کرد و در همکاری‌های اقتصادی جمهوری اسلامی با سایر کشورها نیز اختلال‌هایی ایجاد کرد. همان‌طور که با مانع‌تراشی در پیشروی خط لوله نفتی ایران (خزر به خلیج فارس)، به‌عنوان یکی از شریان‌های حیاتی اقتصاد ایران، شرایط را به نفع تأسیس خط لوله جیحون در ترکیه و در نتیجه انتفاع اقتصادی شرکت‌های امریکایی فعال در بخش انرژی تغییر داد (Najafi and Askari, 2012: 248). بنابراین، گرایش فزاینده همسایگان جمهوری اسلامی (نظیر عراق، افغانستان، و امارات) به سمت روندها و تعاملات بین‌المللی و تجارت آزاد، افزون بر فشار قدرت‌های جهانی، و از طرف دیگر نظم دیکته‌شده از سوی جهانی‌شدن، که می‌تواند نظم ملی را به چالش بکشد و رفتار ملی را تحت تأثیر قرار دهد، ضرورت تدوین یک برنامه راهبردی توسعه‌ای در راستای گسترش تجارت و تعاملات بین‌المللی را ایجاد می‌کند. بنا به اظهار رفتی، پیگیری اهداف توسعه بدون تعامل و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی امکان‌پذیر نیست، زیرا «حتی اگر شما جهان را در نظر نگیرید، جهان شما را در نظر خواهد گرفت». به‌ویژه که ج. ا. ایران در موقعیتی ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، و ژئواکونومیک قرار گرفته است (مرکز توسعه صادرات ایران، ۱۳۸۳: ۶۷۳-۶۷۷).

بنابراین، برای تحقق اهداف توسعه‌ای، همان‌گونه که در سند چشم‌انداز نیز لحاظ و در پژوهش‌های اخیر تصریح شده است، اتکا به راهکارهای همکاری‌جویانه و تعاملی نظیر همزیستی مسالمت‌آمیز، حتی‌الامکان حذف تنش‌های ایدئولوژیک‌محور، حل‌وفصل اختلافات از طریق ارائه راهکارهای صلح‌آمیز و عدم توسل به زور، تدبیر، و اعتدال در سیاست خارجی، احترام متقابل، دیپلماسی برد-برد، احتراز از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط با نظام بین‌الملل و گسترش همکاری با نهادها/ رژیم‌ها و استانداردهای بین‌المللی توصیه شده است. تجربه کشورهای موفق و توسعه‌یافته نیز بیانگر این حقیقت است که خروج از نظام بسته و برقراری تعامل و ارتباط مؤثر با نظام بین‌الملل، که نیاز زمینه‌ای جمهوری اسلامی در شرایط کنونی است، در کنار اصلاحات داخلی و عملکرد مثبت شاخص‌های حکمروایی خوب، موفقیت و توسعه‌یافتگی را برای کشورها به‌ارمغان می‌آورد. در این چارچوب، این پژوهش با هدف شناخت عناصر مؤثر در تعاملات بین‌المللی و بومی‌سازی آن با هدف بهبود سیاست‌های اقتصادی و دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار انجام شده است. بدین ترتیب، می‌توان سؤال اصلی مقاله را در دو بخش مطرح ساخت: اول، عناصر تشکیل‌دهنده توسعه اقتصادی و تعاملات بین‌المللی، به‌عنوان متغیرهای پژوهش، کدام‌اند؟ و رابطه/ اثرگذاری شاخص‌های تعاملات بین‌المللی بر توسعه اقتصادی چگونه تبیین می‌شود؟

چارچوب نظری

برابر واکاوی متون توسعه، از اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ و گسترش انقلاب‌های فرهنگی-اجتماعی و سپس صنعتی در کشورهای اروپایی، مطالعات و پژوهش‌های توسعه‌یافته از پیش در مباحث توسعه اقتصادی، نظریه‌های تبیین‌کننده، و شاخص‌های آن تجلی یافت و پژوهشگران با اندازه‌گیری نماگرهایی مانند سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP)، نرخ فقر، رشد اشتغال، و منابع شغلی، نرخ سواد، کیفیت زندگی، و ... میزان تحقق توسعه اقتصادی در کشورها را ارزیابی می‌کنند. درواقع، تلاش برای بهبود نرخ شاخص‌های فوق در کشورهای مختلف به شکل‌گیری نظریه‌پردازی‌های گسترده توسط صاحب‌نظران بنام نظیر آدام اسمیت، ریکاردو، شومپتر، و مالتوس، به‌ویژه در حوزه اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک، منجر شد. آدام اسمیت در کتاب *ثروت ملل*^۱ (۱۷۷۶) شاخص‌هایی نظیر افزایش درآمد سرانه و ثروت یک ملت را با عواملی

همچون آزادگذاشتن جریان عرضه و تقاضا و ایجاد فضای رقابت به‌عنوان دست نامرئی تنظیم‌کننده اشتغال کامل و تقسیم کار، افزایش پس‌انداز در جهت افزایش و انباشت سرمایه برای تولید بیشتر و برقراری بسترهای لازم برای تجارت داخلی- میان شهرها و مناطق درون‌سرزمینی- و تجارت خارجی- گسترش تعاملات و تجارت بین‌المللی- از طریق ایجاد مزیت نسبی در تولید کالای ارزان در مناطق و کشورها و درنهایت تلاش برای افزایش جمعیت نیروی جوان کاری و توانمند درآمیخته می‌داند.

تکامل نظریه‌های اقتصاد کلاسیک به سمت نوکلاسیک و پیدایش نظریه‌پردازی نظیر ریکاردو و مالتوس به طرح مباحثی در شاخص‌ها همچون توزیع درآمد، کارایی، مزیت نسبی در تجارت و تخصصی‌شدن، ارزش مازاد، بهره‌وری کار و گسترش سرمایه‌داری انجامید (اسمیت، ۱۳۵۷). در مقابل، نظریه‌پردازی نظیر مارکس با پرداختن به ماهیت استثماری و امپریالیسم سرمایه‌داری آن را به‌شدت نقد کردند. نظریه‌های استعماری و پسااستعماری نیز اگرچه راهکاری برای توسعه جهان جنوب ارائه ندادند، با اشاره به دیدگاه‌هایی نظیر امپریالیسم غرب و مقاومت کشورهای استعماری راه توسعه جهان سوم را از توسعه غرب متمایز می‌دانستند (آبراهامسن، ۱۳۹۱: ۲۹۴).

با این حال، پیشرفت سرمایه‌داری و روابط مبادلاتی و تجاری، گسترش معضل بیکاری و اختلاف طبقاتی میان شمال و جنوب، تورم، رشد و بهره‌وری پایین در کشورهای جنوب، شکل‌گیری نظریه‌های مرکز- پیرامون^۱، و درنتیجه ضرورت توسعه ساختارها و نهادهای اقتصادی، گسترش نظریه‌های نئومارکسیسم و سپس تئوری وابستگی را به همراه داشت که به دنبال آن استراتژی‌های توسعه‌محور، نظیر صنعتی‌سازی، جای‌گزینی واردات و توسعه صادرات مطرح شد. اما، مطالعات آتی بر روی کارکرد نظریه‌های توسعه (نوسازی و وابستگی) از یک سو و فراگیری جهانی‌شدن و سرمایه‌داری از سوی دیگر ضعف‌ها و کمبودهایی را در هر یک از دو نظریه فوق در امر نجات کشورهای توسعه‌نیافته به‌نمایش گذاشت که مبین ناتوانی مکاتب فوق در تبیین مسائل توسعه‌نیافتگی در کشورهای جهان سوم و ضرورت اشراف بیشتر نسبت به ابعاد و پیچیدگی نظریه‌های توسعه اقتصادی در ساختار اجتماعی- سیاسی کشورها و بررسی نقش تعاملات بین‌المللی و روابط اقتصادی بود (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۷۶: ۲۲۶-۲۲۷).

به سخن دیگر، به‌تدریج با افزایش نقش تعاملات بین‌المللی، آزادسازی بازار، و بازکردن درهای اقتصاد کشورها به روی بازارهای جهانی، لیبرال‌ها، و نولیبرال‌ها فعالیت گسترده‌تری را در خصوص مطالعات بازار و همچنین نقش دولت در رشد یا رکود بازار و اقتصاد در پیش گرفتند. نولیبرال‌ها، با تمرکز بر اهمیت توسعه‌یافتگی در ارتقای استانداردهای زندگی و با حمایت نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، نظریه‌های اقتصادی گسترده‌ای، نظیر اجماع واشنگتن، را ارائه دادند. پیروان این نظریه رمز دست‌یابی به توسعه اقتصادی را در اجرای طرح‌هایی نظیر تعدیل اقتصادی، نظم بازار، بازار آزاد، اقتصاد باز و باثبات، خصوصی‌سازی، رقابت‌آفرینی، و گسترش تجارت خارجی قرار می‌دهند و بر آن‌اند که با گسترش تعاملات بین‌المللی و حداقل‌سازی نقش دولت، دست نامرئی بازار- بر مبنای عرضه و تقاضا- بازار و اقتصاد را به‌سوی رقابت، ارزش‌آفرینی، اشتغال کامل و رونق اقتصادی و پاسخ‌گویی به نیاز مصرف‌کننده هدایت می‌کند. نولیبرال‌ها با امعان نظر به نتایج توسعه اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب شرقی نظیر سنگاپور و کره جنوبی رویکرد برون‌زا بر مبنای بازار آزاد و جای‌گزینی طرح‌های درون‌زا، نظیر جانشینی واردات، را با اتخاذ رویکردهای برون‌گرایی، نظیر توسعه صادرات مورد تقدیر قرار دادند (Bilotti, 2010: 279). با این توصیف، می‌توان گفت، امروزه، با وجود تعدد و تنوع ابعاد توسعه از توسعه انسانی تا توسعه سیاسی و توسعه پایدار، که در کانون برنامه‌های توسعه سازمان ملل قرار دارد، هیچ نظریه توسعه‌ای را نمی‌توان یافت که، با وجود طرح مشکلات ناشی از اقتصاد باز از سوی منتقدان اهمیت و سهم توسعه

اقتصادی، آزادسازی تجاری، و تعامل بین‌المللی با دیگر کشورها را در نظر نگیرد. حتی با وجود شرایط اقتدارگریز و نبود حکومت مرکزی هم از طریق طراحی الگوهای همکاری برای بازیگران دولتی و تعامل با نظام بین‌الملل و ایجاد پیوندهای اقتصادی، مشکلات و نقصان‌های مرتبط با اقتصاد باز برطرف و حل‌وفصل می‌شود (مک‌میلان، ۱۳۹۱: ۸۰).

در میان نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، رابرت کاکس، برخلاف نواقح‌گرایانی نظیر والتس- که معتقد است دولت‌ها در برابر اقتدارگریزی و محدودیت‌های نظام بین‌الملل ناتوان از همکاری و تعامل مؤثرند- مطالعات خود را بر اقدامات و تلاش‌های جمعی برخی بازیگران عرصه بین‌الملل در جهت تغییر اصول نهادهای سیاسی و اقتصادی جهان متمرکز می‌کند (لینکلینتر، ۱۳۹۱). مکتب انگلیسی نیز نقش ویژه‌ای برای همکاری‌های بین‌المللی قائل است و همکاری و تعامل منظم و محاسباتی میان دولت‌ها را در سه سطح نظام بین‌الملل، جامعه بین‌الملل، و جامعه جهانی مؤثر می‌داند (بالامی، ۱۳۹۱: ۱۹۷-۲۰۰).

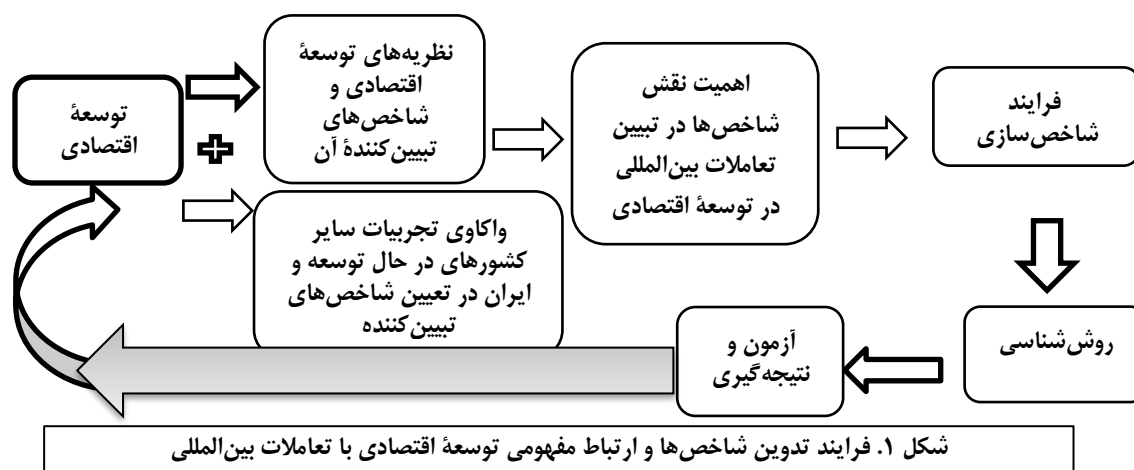
به سخن دیگر، در عصر پویایی‌های ارتباطی و فناوری‌های نوین، هیچ کشوری نمی‌تواند (به لحاظ محاسبه سود و زیان عقلانی نیست) همه اقلام موردنیاز خود را در داخل تولید کند. بنابراین، همه نیازمند برقراری سطحی از تعامل با دیگر کشورها هستند. در واقع، باید گفت تجارت و تعامل بین‌المللی بخش مهمی از سیاست خارجی نظام‌های سیاسی را به خود اختصاص داده و رشد سیاست و تجارت و تأثیرپذیری توأمان این دو از یکدیگر به بهره‌برداری حکومت‌های ملی از مزایای وابستگی متقابل اقتصادی در سطح بین‌الملل و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی و افزایش قدرت و امنیت کشورها انجامیده است (مونت و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۵). امروزه، باور غالب این است که تعاملات و معاهدات منطقه‌ای، برخورداری از شرکای تجاری، و مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای نه تنها نقش قابل توجهی در بهبود تعاملات و روابط میان کشورها، افزایش قدرت منطقه‌ای و دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی ایفا می‌کند، بلکه مناطق، به‌عنوان لایه‌های تکمیلی حکمرانی جهانی، در حال شکل‌دهی به نظم جهانی‌اند و می‌توانند برای برخی ابهامات و مشکلات بین‌المللی و تهدیدهای جهانی‌شدن نظیر امنیت، توسعه، و مسائل زیست‌محیطی (مانند حل اختلافات میان دولت‌ها بر سر آب و سرزمین) راه‌حل ارائه دهند (Fawn, 2009: 6 & 13).

از سوی دیگر، گسترش روزافزون فناوری‌های نوین و روند فراگیر جهانی‌شدن، که به تعبیر فریدمن با سرعتی وصف‌ناپذیر به سوی هم‌سطح‌سازی جهان پیش می‌رود، سبب شده است سازمان‌ها، نهادها، و رژیم‌های بین‌المللی نقشی پُررنگ‌تر در سازمان‌دهی تعاملات میان کشورها به‌عهده بگیرند. تا جایی که امروزه، سرمایه‌داری، اقتصاد جهانی و مالیه بین‌الملل، میزان توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی کشورها را تعیین و نهادهای اقتصادی بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی (WTO)^۱ و کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF)^۲ قواعدی از جمله فرایند شاخص‌سازی و رژیم‌های حاکم در روابط و تعاملات اقتصادی را تنظیم می‌کند. روشن است که رقابت و کسب توان رقابتی- که لازمه توسعه اقتصادی است- در چنین فضایی بدون پایبندی به هنجارها و قواعد بین‌الملل از جمله شاخص‌های موردپذیرش جهانی از یک سو و حضور مؤثر در شرایط رقابت، تعامل، و مشارکت با دیگر اعضای نظام بین‌الملل در تأمین و شکل‌دهی به مظاهر اقتصادی منطقه‌ای و جهانی ثمربخش نخواهد بود (مرکز توسعه صادرات ایران، ۱۳۸۳: ۲۵-۳۰).

مشاهده نمونه‌های موفق از تلاش دولت‌ها برای بهره‌مندی از مزایای همکاری‌های اقتصادی و برقراری دیپلماسی اقتصادی در میان کشورهای توسعه‌یافته یا درحال توسعه نیز بیانگر اثرگذاری مثبت تعاملات بین‌المللی و پیوستگی‌های متقابل اقتصادی در پیشبرد موفق اهداف توسعه‌ای کشورهاست. مالزی که در سال ۱۹۶۱ برای اولین بار برنامه‌ریزی

اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد، توانمندی و نفوذ در عرصه اقتصاد بین‌الملل را لازمه پیشرفت و افزایش قدرت کشور می‌داند و با سیاست‌گذاری صحیح در زمینه تعاملات بین‌المللی توانست ظرف مدت‌زمانی کمتر از پنج دهه مسیر توسعه اقتصادی را با موفقیت طی کند (برادران شرکاء و همکاران، ۱۳۸۷: ۳). در چشم‌انداز عربستان سعودی (۲۰۲۵) بخش ویژه‌ای به تبیین و طراحی سیاست‌های راهبردی برای ارتقای وضعیت اقتصادی آن در اقتصاد جهانی، بالابردن قدرت رقابتی، و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اختصاص یافته است (برادران شرکاء و جعفری، ۱۳۸۸: ۳۷). امریکا در استراتژی روابط بین‌المللی جایگاه برتر بین‌المللی و نقش هدایتگر را برای خود متصور است و همواره در راستای تدوین راهبردهای هدایتگر نظیر توسعه همکاری‌های مشارکتی با سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، و اتحادیه‌های تجاری حرفه‌ای، دانشگاه‌ها و حتی سازمان‌های غیرانتفاعی منطقه‌ای و بین‌المللی و در نتیجه پیگیری اهداف ملی و رفاه شهروندان خود حرکت کرده است (Albright, 1999: 8).

برابر مطالعات انجام‌شده بر روی نظریه‌های توسعه اقتصادی، پیوستگی‌های متقابل اقتصادی، تعاملات بین‌المللی، و شاخص‌های مؤثر در توسعه اقتصادی و همچنین بررسی تجربه کشورهای موفق، که با انتخاب گزینه تعامل با نظام بین‌الملل و برقراری پیوندهای اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی به نتایج سریع و قابل اتکایی در زمینه توسعه اقتصادی دست یافتند، مبنای نظری این پژوهش بر دو بخش بنا شده است: بخش اول، بر مباحث سیاست‌گذاری راهبردی در جهت تحقق اهداف توسعه اقتصادی تأکید دارد که مبنای سیاست‌گذاری را بر تعامل سازنده منطقه‌ای و بین‌المللی قرار می‌دهد و بخش دوم بر نظریه‌های لیبرالیسم مبتنی است که برقراری تعاملات بین‌المللی میان دولت‌ها و گسترش همکاری‌های اقتصادی را لازمه توسعه اقتصادی در کشورها می‌داند و از این منظر ابتدا به شناسایی شاخص‌های توسعه اقتصادی و تعاملات بین‌المللی و سپس بومی‌سازی این شاخص‌ها می‌پردازد.



روش‌شناسی

با هدف شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده توسعه اقتصادی و تعاملات بین‌المللی و بومی‌سازی آن در جمهوری اسلامی، گام اول به گردآوری داده‌های ثانویه حاصل از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای (۱۷۵ منبع انگلیسی و فارسی با موضوعات توسعه، توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، عناصر اقتصادی مؤثر در تعاملات بین‌المللی، نظیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه صادرات، خصوصی‌سازی، اقتصاد باز و بازار آزاد و ... و وضعیت ایران در این شاخص‌ها و نقش تعاملات و همگرایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در توسعه اقتصادی) اختصاص یافت. سپس، بر اساس داده‌های (ثانویه) مبتنی بر

نظریه‌های توسعه اقتصادی و تعاملات بین‌المللی و تجربیات مبتنی بر راهبردهای کشورهای موفق در توسعه اقتصادی، جداول فراوانی تنظیم شد و با بهره‌مندی از روش‌های توصیفی-تحلیلی به مجموعه‌ای پُرتراتر از مهم‌ترین عناصر (شاخص‌های) توسعه اقتصادی و تعاملات بین‌المللی دست یافته شد.

در گام دوم، برای سنجش روایی و پایایی شاخص‌های حاصل از گردآوری داده‌های ثانویه داده‌های اولیه به روش پیمایشی (توزیع پرسش‌نامه و نظرسنجی از خبرگان و متخصصان) جمع‌آوری شد. نظر به روند سیاست‌گذاری و تعیین خطمشی در جمهوری اسلامی، جامعه نمونه به روش تصادفی از میان ۴۲ نفر از نخبگان و کارشناسان اجرایی در ۹ نهاد مؤثر در سیاست‌گذاری روابط بین‌المللی (نظیر وزارت امور خارجه، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران و ...) انتخاب و پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۳ شاخص اصلی و ۱۱ شاخص فرعی تنظیم و با دو هدف زیر در اختیار جامعه نمونه، به تناسب ساختار هر نهاد، قرار گرفت.

تأیید روایی و پایایی شاخص‌های اصلی و فرعی؛

تأیید سازگاری درونی و بیرونی شاخص‌های مزبور در جامعه ایرانی و امکان‌سنجی بومی‌سازی آن در کشور. برای آزمون فرضیه و تأیید نهایی عناصر (شاخص‌ها و زیرشاخص‌های) منتخب، با استفاده از روش ترکیبی-توصیفی/تبیینی-تحلیلی، تجزیه و تحلیل کیفی و کمی داده‌های ثانویه (اسنادی و کتابخانه‌ای) و نخستین (توزیع پرسش‌نامه) انجام شد و با استفاده از جداول میانگین، انحراف معیار، آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف، مجذور کای (X²) و سپس تحلیل مسیر، مجموعه‌ای مناسب و بومی‌شده (مناسب با شرایط ایران) از عناصر (شاخص‌های) توسعه اقتصادی و تعاملات بین‌المللی عرضه شد.

فرایند طراحی و بومی‌سازی شاخص‌های تعاملات بین‌المللی در توسعه اقتصادی در ج.ا. ایران

گام اول: آموزه‌هایی از سیاست‌های راهبردی پویا و موفق در جهان

گام اول به بررسی مطالعات تجربیات کشورهای نظیر اندونزی، چین، کره جنوبی و روسیه، و جمع‌آوری آموزه‌هایی از رفتار توسعه‌ای این کشورها اختصاص یافت؛ در جدول زیر چکیده مطالعات انجام‌شده در چهار کشور موردنظر در مقایسه با ایران ارائه می‌شود. تجربیات حاکی از آن است که سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی در کشورهای موفق نظیر چین، اندونزی، کره جنوبی، سنگاپور، و ... از رویکردهای بین‌المللی اقتصادمحور (نظیر استراتژی‌های اقتصاد باز و باثبات، توسعه صادرات، و جذب سرمایه‌گذاری خارجی) تبعیت کرده و همواره توجه ویژه‌ای به ایجاد پیوندهای اقتصادی و تنظیم معاهدات دو یا چندجانبه با نهادها و کشورهای منطقه و بین‌الملل و متعاقب آن پیروی از استانداردها و هنجارهای نهادهای بین‌المللی معطوف شده است.

جدول ۱. مقایسه وضعیت شاخص‌های تعاملات بین‌المللی

کشور	اندونزی	چین	کره جنوبی	روسیه	ایران
هدف: توسعه اقتصادی	√	√	√	√	√
مشارکت فعال و تعامل‌آمیز با نظام بین‌الملل	نقش‌پذیری در مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان قدرت منطقه‌ای سازنده	تأسیس دو بانک ADB و AIIB و عضوپذیری از سایر کشورها	عضویت فعال در معاهدات دو یا چندجانبه بین‌المللی	یکی از ۵ عضو اصلی شورای امنیت	نسبتاً ضعیف
اعمال اصلاحات داخلی و بهبود حکمروایی خوب	اصلاحات نظام بانکی، بهبود شاخص‌های حکمروایی خوب	متنوع‌سازی در اقتصاد	حذف تعرفه‌ها، اصلاح روش‌های پرداخت در سیستم تجارت داخلی و خارجی	نسبتاً ضعیف	نسبتاً ضعیف
جذب سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم و غیرمستقیم)	موفق در زمینه همگرایی اقتصادی	√	√	√	نسبتاً ضعیف
عضویت در نهادهای بین‌المللی	(نظیر G20)	(نظیر WTO و G20)	√	نظیر WTO و G8	نسبتاً ضعیف
اقتصاد باز و باثبات	√	√	√	نسبتاً ضعیف	نسبتاً ضعیف
توسعه صادرات	√	√	√	√	نسبتاً ضعیف
تحریم‌های بین‌المللی، FATF (مبارزه با پول‌شویی)	در معرض تحریم یا تهدیدهای پول‌شویی قرار ندارد	در معرض تحریم یا تهدیدهای پول‌شویی قرار ندارد	در معرض تحریم یا تهدیدهای پول‌شویی قرار ندارد	برخی تحریم‌های خاص امریکا و اتحادیه اروپا علیه این کشور اعمال شده است.	در معرض تحریم‌های بین‌المللی امریکا و برخی تحریم‌های اتحادیه اروپا و همچنین در لیست هشدار، FATF در کنار کره شمالی، قرار دارد.

منبع: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۷)

گام دوم: طراحی و تبیین شاخص‌های پژوهش

الف) شاخص‌های توسعه اقتصادی

نتیجه مطالعات و جمع‌آوری داده‌های اولیه و ثانویه در این پژوهش حاکی از آن است که دولت-ملت‌ها با هدف پایداری شاخص‌های زیر همواره توسعه اقتصادی را در اولویت برنامه‌ها و سیاست‌گذاری راهبردی خود قرار می‌دهند: بهبود کیفیت زندگی شهروندان مبتنی بر نرخ امید به زندگی، امنیت شغلی (نرخ بیکاری)، آزادی بیان؛ افزایش تولید، سطح درآمد، و قدرت انتخاب اقتصادی و زندگی شهروندان؛ کاهش فقر؛

تحول ساختاری جامعه به لحاظ سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی.

ب) شاخص‌های اقتصادی مؤثر در بهبود تعاملات بین‌المللی

در حین مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، واکاوی تجربیات سایر کشورهای در حال توسعه و جمع‌آوری آموزه‌هایی از عملکرد موفق کشورهای مزبور، این پژوهش بر گردآوری مجموعه پُرتواتری از شاخص‌های اقتصادی، به شرح زیر، متمرکز شد که در بهبود تعاملات بین‌المللی در کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه اثرگذاری محسوسی داشتند.

جدول ۲. شاخص‌های اقتصادی مؤثر در تعاملات بین‌المللی

اقتصاد باز و باثبات به معنای انجام اصلاحات اقتصادی در راستای

آزادسازی تجاری؛ سیاست درهای باز؛ حذف تعرفه‌ها؛ رویکرد برون‌نگر به تجارت بین‌الملل؛ ثبات برنامه‌های کلان اقتصادی؛ ایجاد محیط سالم و قابل اعتماد برای رقابت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛ اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و رقابتی؛ منع رقابت اقتصادی میان احزاب سیاسی

جذب سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم؛ مشارکت مالکانه سرمایه‌گذار در فعالیت اقتصادی و غیرمستقیم؛ نظیر خرید اوراق بهادار)؛ به معنای اصلاح زیرساخت‌ها و فراهم کردن بسترهای موردنیاز اقتصادی و سیاسی با هدف:

ثبات شرایط و قوانین سرمایه‌گذاری در اقتصاد (نظیر مالیات، تعرفه‌ها، و بهبود قوانین کسب و کار)؛ ثبات سیاسی و اقتصادی؛ کاهش میزان تورم، بی‌ثباتی نرخ ارز، خشونت، جرم و جنایت، رشوه و اخاذی؛ شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی دستورالعمل‌های سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار داخلی و خارجی و کاهش فساد؛ کاهش هزینه‌های نقل و انتقال و افزایش سودآوری؛ افزایش تعداد موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری با کشورهای توسعه‌یافته؛ کوچک‌سازی دولت و کاهش مالکیت انحصاری دولت بر روی صنایع؛ توسعه نهادها

توسعه صادرات

توسعه تجاری برون‌نگر؛ ارتقای دانش فنی و اطلاعاتی روز و بهبود زیرساخت‌های تحقیق و توسعه؛ بهبود و توسعه زیرساخت‌های تکنولوژیکی، ارتباطی و اطلاعاتی به‌ویژه در بخش کشاورزی و صنایع؛ برقراری ارتباط میان بازار داخلی و بازارهای بین‌المللی و گسترش شرایط رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی؛ تقویت بخش خصوصی و خروج از اقتصاد تک‌محصولی و تلاش در جهت تنوع‌بخشی به کالاهای تولیدی و صادراتی و بازارهای صادراتی؛ گسترش توافق‌نامه‌های دو یا چندجانبه؛ گسترش مناطق آزاد و اجرای اصول تجارت آزاد و ایجاد شرایط اشتغال کامل؛ اعمال سیاست‌های تشویقی به سمت تنوع کالاهای صادراتی

منبع: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۷)

ج) شاخص‌های تعاملات بین‌المللی

تعاملات بین‌المللی بخش مهمی از سیاست خارجی کشورها را به خود اختصاص می‌دهد. زیرا رشد سیاست و تجارت و تأثیرپذیری توأمان این دو از یکدیگر، بهره‌برداری حکومت‌های ملی از مزایای وابستگی متقابل اقتصادی در سطح بین‌الملل، و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی افزایش قدرت و امنیت کشورها را به همراه دارد. بنا بر مطالعات این پژوهش، کشوری در تعاملات بین‌المللی موفق است که:

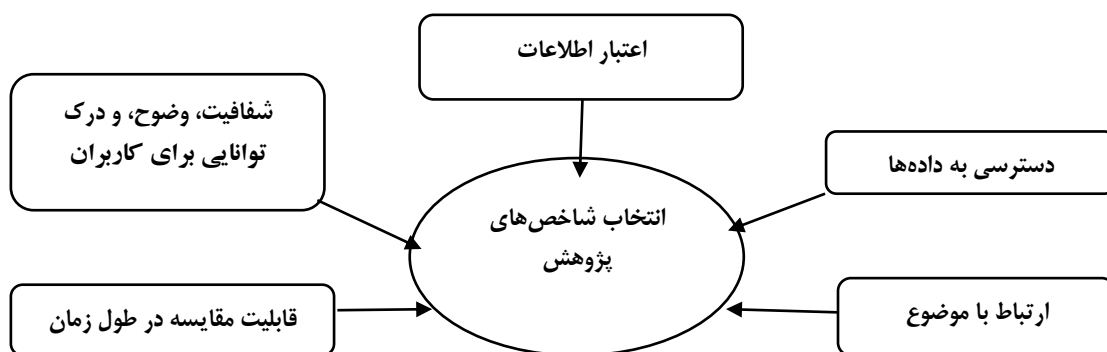
با کشورهای منطقه (همسایه) و بین‌الملل (سایر کشورها) دارای روابط متعامل باشد؛

با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌محور نظیر صندوق بین‌المللی پول (IMF)، اجلاس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD)، سازمان تجارت جهانی (WTO) و بانک جهانی (WB) روابط و تعامل اثرگذار و پویا برقرار کرده باشد؛ از روابط مؤثر با بازیگران غیردولتی نظیر شرکت‌های چندملیتی و فراملیتی بهره‌مند باشد؛

عضو معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی دو یا چندجانبه باشد و از مشارکت فعال در این نهادها بهره‌مند شود.

گام سوم: رهیافت‌ها و چارچوب‌های سازمان‌دهی و توسعه شاخص‌ها

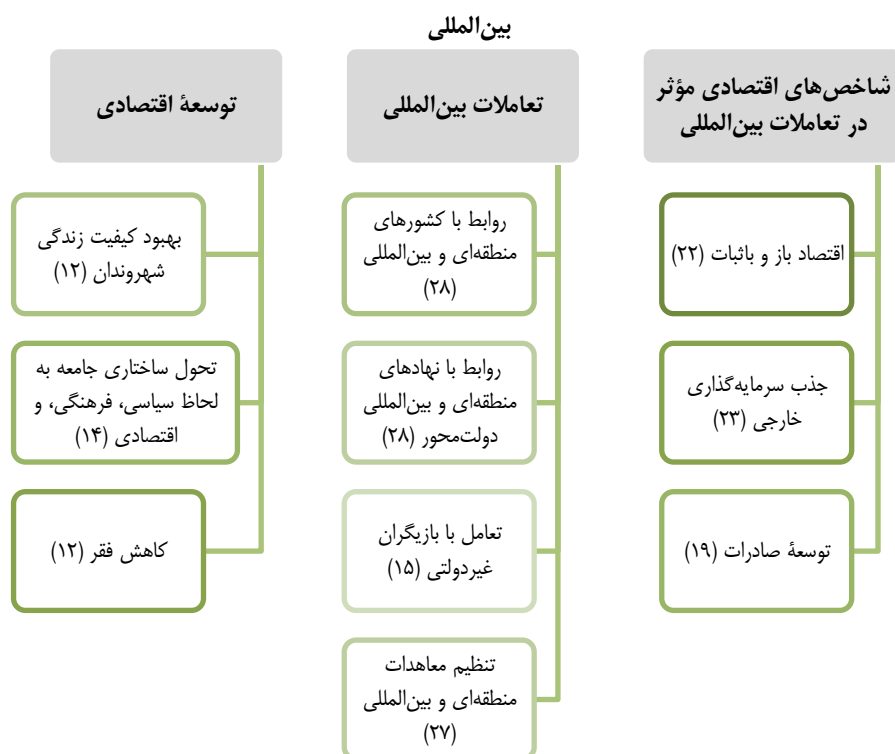
در مرحله تعیین شاخص‌ها، یکی از گام‌های اصلی نحوه انتخاب و نهایی‌سازی شاخص‌های مورد نیاز است که در شکل زیر تحت عنوان معیارهای ارزیابی عملیاتی کردن شاخص‌ها نمایش داده شده و عبارت است از: ۱. ارتباط با موضوع؛ ۲. دسترسی به داده‌ها (ظرفیت برای جمع‌آوری و پردازش)؛ ۳. اعتبار اطلاعات؛ ۴. شفافیت، وضوح و درک توانایی برای کاربران؛ ۵. قابلیت مقایسه در طول زمان (افتخاری و حیدری ساربان، ۱۳۹۶: ۲۴۳).



شکل ۲. معیارهای انتخاب شاخص‌های پایدار

بنا به توضیحات فوق و در نتیجه واکاوی در ادبیات موضوعی این پژوهش، در این گام با توجه به نظریات مختلف برای سازمان‌دهی شاخص‌ها، از رهیافت شاخص‌های ترکیبی استفاده شده و چارچوب مبتنی بر شاخص‌ها بر معیارها و مؤلفه‌های کلیدی استوار است. در شکل زیر شاخص‌ها و زیرشاخص‌های فرعی به همراه میزان فراوانی هر یک در پیشینه ادبیات پژوهش نمایش داده شده است.

جدول ۳. فراوانی شاخص‌های توسعه اقتصادی، شاخص‌های اقتصادی مؤثر در تعاملات بین‌المللی، و شاخص‌های تعاملات



منبع: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۷)

گام چهارم: ارزیابی عملیاتی و بومی کردن شاخص‌های کلیدی از دید خبرگان و متخصصان

در گام چهارم، پس از تعریف عملیاتی متغیر اصلی و فرعی و عناصر تبیین‌کننده هر یک بر اساس مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و تنظیم جداول فراوانی شاخص‌ها، پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر راستی‌آزمایی ۱۴ شاخص اصلی و فرعی پُر تواتر تهیه شد و برای نیل به شاخص‌های عملیاتی‌تر و همچنین بومی کردن شاخص‌ها متناسب با وضعیت ایران در اختیار گروه متخصصان جامعه نمونه قرار گرفت. بدین ترتیب، ۱۴ شاخص مزبور هم به لحاظ ارزش هم به لحاظ سازگاری درونی و بیرونی با شرایط جامعه آماری (ایران) مجدداً ارزیابی شد.

گام پنجم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها و استخراج شاخص‌های نهایی**الف) یافته‌های پژوهش: یافته‌های کتابخانه‌ای**

در شاخص‌های جهانی شدن، که عواملی نظیر تعداد سفارت‌خانه‌ها در هر کشور، معاهدات بین‌المللی، عضویت در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و ... را در نظر می‌گیرد، ج. ا. ایران با امتیاز ۳۸٫۵ در رتبه ۱۶۰ و پایین‌تر از ترکیه (۵۹)، عربستان (۷۱)، امارات (۴۰)، اسرائیل (۳۴)، و عمان (۶۶) قرار دارد. به لحاظ تعداد سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌های خارجی مقیم جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۶، تعداد سرکنسولگری‌ها و کنسولگری‌های مقیم کشور (مستقر در استان‌ها)، ۱۸ عدد و تعداد نمایندگی‌های جمهوری اسلامی مجموعاً ۱۶۸ بوده است.

بر اساس مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، جمهوری اسلامی در بیش از ۶۷۰ معاهده منطقه‌ای یا بین‌المللی دو یا چندجانبه عضو است که عمدتاً در سال‌های پیشاتحریم منعقد شده است. اما عضو هیچ‌یک از گروه‌های مهم و دارای انتفاع اقتصادی نظیر G20 یا سازمان‌های مهم بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی نیست و از منافع معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی تجارت و فناوری جهانی بهره‌چندانی نمی‌برد. این در حالی است که (به نقل از تسنیم)، در سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۷) تنها حق عضویت پرداختی جمهوری اسلامی در سازمان ملل حدود ۲۴ میلیون دلار بوده است. به همین ترتیب، هزینه‌های پرداختی در قالب حق عضویت یا کمک‌های داوطلبانه به سایر کنوانسیون‌ها، اتحادیه‌ها، و سازمان‌های بین‌المللی نظیر گروه ۷۷ و چین، سازمان بین‌المللی کار، مجمع فقه اسلامی، مؤسسه فرهنگی اکو و ... از ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ دلار متغیر بوده است. به‌علاوه، نهادهای دولتی و خصوصی کشور نظیر وزارتخانه‌ها، بانک‌ها، یا مؤسسات فرهنگی اجتماعی نیز، بدون انتفاع اقتصادی قابل توجه، حق عضویت یا مشارکت سالیانه/ داوطلبانه‌ای به برخی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخت می‌کنند.

از سوی دیگر، اعضای بسیاری از توافقات و معاهدات بین‌المللی تجاری و مؤثر اقتصادی را اعضای شورای امنیت، کشورهای توسعه‌یافته، و کشورهای اتحادیه اروپا تشکیل می‌دهند و حضور ج. ا. ایران در این معاهدات مستلزم دریافت بازخورد مثبت کشورهای فوق و نهادهای بین‌المللی مورد تأیید آنان، نظیر FATF، است. در چنین شرایطی، برخی قوانین داخلی نظیر تعرفه‌بندی‌ها و مهم‌تر از همه تحریم‌های بین‌المللی یا درج نام جمهوری اسلامی در نهادهایی مانند FATF مانع دریافت تأیید این کشورها و عضویت جمهوری اسلامی در معاهدات مهم اقتصادی بین‌الملل و انتفاع از مزایای آن است.

جدول ۴. وضعیت آماری ایران در گزارش‌های مختلف

UNCTAD: رشد صادرات بین‌المللی در ایران در سال ۲۰۱۷، مصادف با برجام، برابر با ۲۷٫۲٪+ بوده که اگرچه عدد خوبی را نشان می‌دهد، بخش عمده آن را حدود ۷۰٪ مواد خام (نفت) تشکیل داده و فقط ۲۰٪ صادرات تولیدی داشته و مهم‌ترین شرکای بین‌المللی آن را به‌طور عمده تولیدکنندگان دسته دو و سه جهان، نظیر چین، هند، ترکیه، و ژاپن تشکیل می‌دهند.

رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۹: ۲٫۴-

جذب سرمایه‌گذاری خارجی تاکنون، به‌جز در دوران کوتاهی در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، روند نزولی داشته و همواره پایین‌تر از ۵۰۰۰ میلیون دلار بوده است. این در حالی است که به‌طور مثال در ترکیه ۷۷٫۵ میلیون نفری جذب سرمایه‌گذاری خارجی روند رو به رشد و بالاتر از ۲۰٫۰۰۰ میلیون دلار را نشان می‌دهد و در بخش صادرات نیز بیش از ۷۸٪ محصولات تولیدی کشور فوق به آلمان، عراق، انگلیس، ایتالیا، و فرانسه صادر می‌شود. شاخص تجاری و قدرت خرید: برخلاف ایران که با افت‌وخیز بسیار بیشتر روند نزولی را نشان می‌دهد، این دو شاخص در ترکیه رشد صعودی و ثبات نسبی داشته‌اند.

<http://unctadstat.unctad.org/CountryProfile/GeneralProfile/en-GB/364/index.html>

صندوق بین‌المللی پول (۲۰۱۹): شاخص بیکاری ایران با افزایش ۲ تا ۴٪ نسبت به سال‌های پیش عدد ۱۵٫۴٪ را نشان می‌دهد که در مقایسه با سایر کشورهای منطقه نظیر کویت، بحرین، و ترکیه در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. ایران در شاخص تورم با نرخ ۲٫۲٪ در رتبه ۵ جدول و پس از ونزوئلا، زیمبابوه، سودان، و آرژانتین قرار دارد. رشد تولید ناخالص داخلی را منفی (-۶٪) اعلام کرد. این در حالی است که در عربستان نرخ ۱٫۸٪ و در قطر رشد ۲٫۶٪ را نشان می‌دهد. به لحاظ برابری قدرت خرید (PPP)، ج. ا. ایران در فاصله قابل توجهی نسبت به ترکیه و کشورهای عربی منطقه ایستاده و بالا بودن متوسط رشد اقتصادی ترکیه و عربستان طی سال‌های گذشته به عمیق‌تر شدن شکاف میان ایران و کشورهای مذکور و فاصله‌گرفتن ایران از هدف چشم‌انداز انجامیده است.

<https://www.daraian.com/fa/countries/iranoe/203-dataworld/20416>

شاخص اقتصادی بنیاد هریتیج (۲۰۱۹): شاخص آزادی اقتصادی (از صفر تا صد - بسته‌ترین تا آزادترین اقتصاد) را شامل و از چهار شاخص حاکمیت قانون (حقوق اموال، یکپارچگی دولت، کارایی قضایی)، اندازه دولت (مخارج دولت، بار مالیاتی، سلامت مالی)، کارایی قوانین (آزادی کسب و کار، آزادی بازار کار، آزادی بازار پول) و میزان بازبودن بازارها (آزادی در تجارت، آزادی در سرمایه‌گذاری، و آزادی مالی) تشکیل می‌شود. ایران با امتیاز ۵۱٫۱ در رده ۱۵۵ جهان (میان ۱۸۰ کشور)، در میان اقتصادهای تقریباً بسته بالاتر از کشورهای آنگولا، توگو، و چاد و پایین‌تر از کشورهای لبنان، مالاوی، و افغانستان قرار گرفته است. این در حالی است که قطر، ترکیه، کویت، و عربستان در رده‌های ۲۸، ۶۸، ۹۰، و ۹۱ ایستاده‌اند.

<https://www.heritage.org/index/ranking>

بانک جهانی (۲۰۱۹): در رتبه‌بندی سهولت کسب‌وکار ۲۰۱۹، ایران در میان ۱۹۰ کشور با کسب نمره ۵۶/۹۸ در رده ۱۲۸ و پس از کویت، عربستان، قطر، آذربایجان، و ترکیه قرار گرفت.

https://www.doingbusiness.org/content/dam/doingBusiness/media/Annual-Reports/English/DB2019-report_web-version.pdf

منبع: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۷)

ب) یافته‌های پژوهش: یافته‌های آماری

پس از جمع‌آوری داده‌های موردنظر از جامعه نمونه، متشکل از ۴۲ نفر از نخبگان کشوری فعال در ۹ نهاد مؤثر در تنظیم سیاست و روابط خارجی ج. ا. ایران، و انجام تحلیل آماری مبتنی بر استخراج میانگین و میزان انحراف معیار شاخص‌های توسعه اقتصادی، مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر تعاملات بین‌المللی و شاخص‌های تعاملات بین‌المللی آمار توصیفی به شرح جدول زیر در دو بخش ارزیابی شاخص‌های اصلی و فرعی و سنجش سازگاری درونی و بیرونی شاخص‌های مزبور در شرایط ایران حاصل شد.

جدول ۵. فراوانی شاخص ها بر اساس تجارب جهانی و نظر نخبگان کشوری

شاخص	فراوانی در تجارب جهانی (سازمان ها، کشورها، و پژوهشگران)			فراوانی نظر خبرگان داخلی (درصد)			سازگاری درونی و بیرونی شاخص های فرعی در شرایط ایران (درصد)			انحراف معیار	میانگین
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد		
توسعه اقتصادی	۱	۱	۴۰	۲۰۹۳	۲۴۲						
بهبود کیفیت زندگی شهروندان	۱۲	-	۷	۲۸۳	۳۷۷	۳	۱۶	۲۳	۲۰۴۸	۶۳۴	
تحول ساختاری جامعه به لحاظ سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی	۱۴	-	۱۰	۲۷۶	۴۳۱	۳	۱۶	۲۳	۲۰۴۸	۶۳۴	
افزایش تولید، سطح درآمد، و قدرت انتخاب شهروندان	۸	-	۸	۲۸۱	۳۹۷	۴	۱۸	۲۰	۲۰۳۸	۶۶۱	
کاهش فقر	۱۲	-	۹	۲۷۹	۴۱۵	۳	۱۴	۲۵	۲۰۵۲	۶۳۴	
شاخص های اقتصادی مؤثر در تعاملات بین المللی	-	-	۱۱	۲۷۴	۴۴۵						
اقتصاد باز و باثبات	۲۲	۲	۹	۲۶۹	۵۶۳	۳	۹	۳۰	۲۰۶۴	۶۱۸	
جذب سرمایه گذاری خارجی	۲۳	۱	۱۱	۲۶۹	۵۱۷	۳	۷	۳۲	۲۰۶۹	۶۰۴	
توسعه صادرات	۱۹	-	۱۲	۲۷۱	۴۵۷	۴	۱۱	۲۷	۲۰۵۵	۶۷۰	
شاخص های تعاملات بین المللی	-	-	۶	۲۸۶	۳۵۴						
روابط با کشورها (در سطح منطقه و بین الملل)	۲۸	-	۱۱	۲۷۴	۴۴۵	۳	۱۲	۲۷	۲۰۵۷	۶۳۰	
روابط با نهادهای منطقه ای و بین المللی دولت محور	۲۸	-	۱۶	۲۶۲	۴۹۲	۳	۱۶	۲۳	۲۰۴۸	۶۳۴	
تعامل با بازیگران غیردولتی	۱۵	۴	۱۱	۲۷	۶۷۰	۵	۱۳	۲۴	۲۰۴۵	۷۰۵	
تنظیم معاهدات منطقه ای و بین المللی	۲۷	۳	۱۳	۲۶	۶۳۳	۴	۱۷	۲۱	۲۰۴۰	۶۶۵	

منبع: یافته های تحقیق (۱۳۹۷)

۱. تأیید شاخص های اصلی و فرعی

در ارزیابی شاخص های اصلی و فرعی، ۱ پایین ترین امتیاز و ۳ بالاترین امتیاز در نظر گرفته شد. دو شاخص «توسعه اقتصادی» (با میانگین ۲،۹۳ و درصد فراوانی ۹۵،۲ درصد) و «تعاملات بین المللی» (با میانگین ۲،۸۶ و درصد فراوانی ۸۳،۳ درصد) به طور قابل توجهی بالاتر از میانگین فرضی (۱،۵) ارزیابی و مورد تأیید نظر نخبگان و متخصصان واقع شد. در بخش شاخص های فرعی نیز کلیه شاخص ها در سطح قابل توجهی بالاتر از میانگین فرضی ارزیابی شد. در شاخص های توسعه اقتصادی، بیشترین امتیاز به شاخص بهبود کیفیت زندگی شهروندان (میانگین ۲،۸۳) و کمترین امتیاز به تحول ساختاری جامعه به لحاظ سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی (میانگین ۲،۷۶) و در شاخص تعاملات بین المللی بیشترین امتیاز به روابط با کشورها (در سطح منطقه و بین الملل) (۲،۷۴) و پایین ترین امتیاز به دو شاخص فرعی تعامل با بازیگران غیردولتی و تنظیم معاهدات منطقه ای و بین المللی تعلق داشت که باز هم با امتیاز مشترک ۲،۵۵ در وضعیت مورد تأیید و بالاتر از میانگین فرضی ارزیابی شد.

۲. تأیید سازگاری درونی و بیرونی شاخص‌های پژوهش با جامعه ایرانی

با در نظر گرفتن امتیاز ۱ (پایین‌ترین) و ۳ (بالا‌ترین)، شاخص‌های اصلی و فرعی با کسب امتیاز بالاتر از میانگین فرضی و درصد فراوانی بالا (همواره و در بدترین حالت بالاتر از ۶۰٪) مورد تأیید نظر خبرگان قرار گرفت.

بر اساس نظر خبرگان، در میان شاخص‌های توسعه اقتصادی کاهش فقر بالاترین امتیاز (میانگین ۲,۵۲) و افزایش تولید، سطح درآمد، و قدرت انتخاب شهروندان کمترین میانگین (۲,۳۸) را کسب کرد و در میان شاخص‌های تعاملات بین‌المللی نیز روابط با کشورها (در سطح منطقه و بین‌الملل) با میانگین ۲,۵۷ در بالاترین و تنظیم معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی دو یا چندجانبه و مشارکت فعال در آن‌ها با میانگین ۲,۴۸ در پایین‌ترین سطح ارزیابی قرار گرفت که باز هم به میزان قابل توجهی بالاتر از سطح میانگین فرضی ارزیابی و مورد تأیید واقع شده و در نتیجه از سازگاری درونی و بیرونی برای اجرا در ایران برخوردار است.

ج) یافته‌های پژوهش: آمار استنباطی

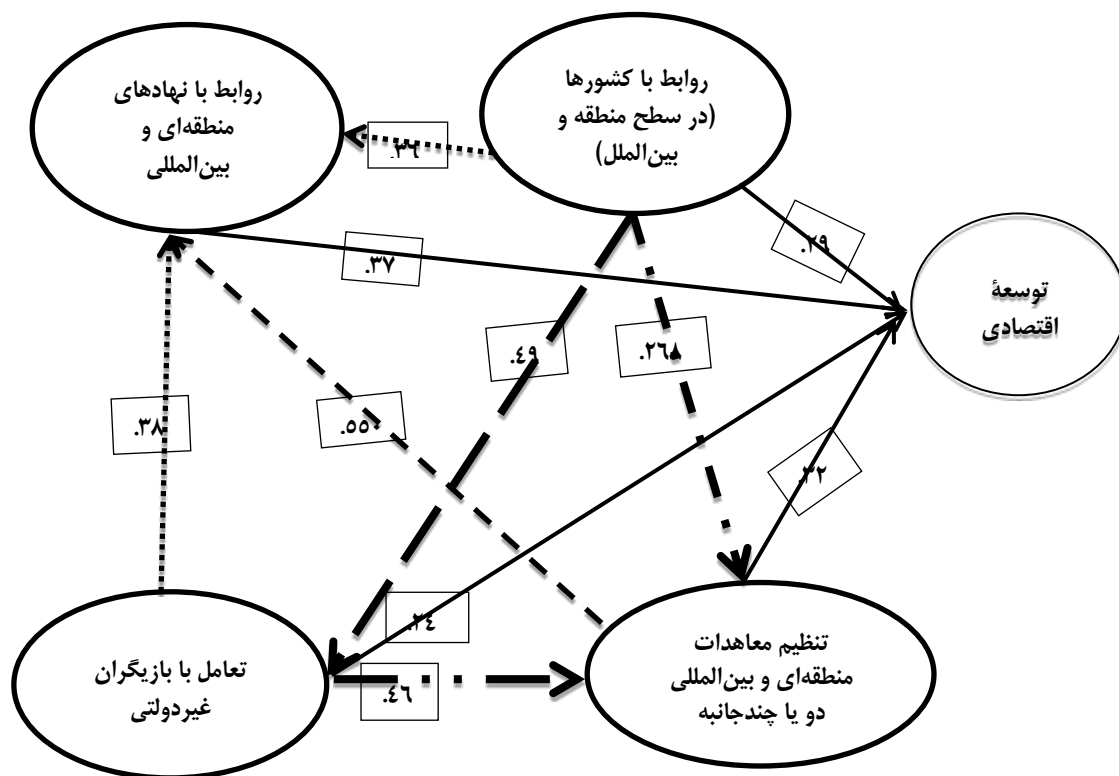
پس از جمع‌بندی نتایج حاصل از بررسی و تحلیل داده‌های نخستین، برای دستیابی به آمار استنباطی و تعیین روش آزمون اثرپذیری توسعه اقتصادی از تعاملات بین‌المللی، آزمون‌های مقدماتی کولموگروف-اسمیرنوف و مجذور کای یا X^2 انجام شد که در نتایج حاصل از آزمون‌های فوق پژوهش حاضر به سمت استفاده از روش تحلیل رگرسیون خطی ساده و چندگانه و تحلیل مسیر به شرح سطور زیرین رهنمون شد.

گام ششم: آزمون

تحلیل رگرسیون خطی ساده و چندگانه و تحلیل مسیر

در این مرحله به‌عنوان گام نهایی برای آزمون اثرپذیری توسعه اقتصادی و بومی‌سازی شاخص‌های تعاملات بین‌المللی از روش تحلیل مسیر استفاده شد. به این ترتیب که میزان اثرگذاری شاخص‌های چهارگانه تعاملات بین‌المللی بر اساس تأیید جامعه نمونه در چهار مرحله تحلیل مسیر و به ترتیب میزان اثرگذاری هر شاخص آزمون شد. به این معنا که در مرحله اول تحلیل مسیر مشخص شد که متغیر روابط با کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی بیشترین اثرگذاری را بر توسعه اقتصادی کشورها می‌گذارد. در مرحله دوم، متغیر مزبور که بیشترین ضریب تأثیر خروجی تحلیل رگرسیونی را داشت به‌عنوان متغیر وابسته وارد مدل شد و اثرگذاری سایر متغیرها بر روی آن آزمون شد. این روش تا مرحله پایانی ادامه یافت و در شکل زیر مرحله پایانی (مرحله چهارم) و میزان اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های تعاملات بین‌المللی بر توسعه اقتصادی نمایش داده شده است.

تحلیل نهایی مسیر



شکل ۳. تحلیل مسیر نهایی میزان اثرگذاری، وجود رابطه و ضرایب شدت (مستقیم و غیرمستقیم) شاخص‌های تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی در تحقق توسعه اقتصادی
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

بنا به نمودار فوق، روابط با کشورها (در سطح منطقه و بین‌الملل) با پنج مسیر، تعامل با بازیگران غیردولتی و تنظیم معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی با سه مسیر و روابط با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی با یک مسیر، بر متغیر وابسته توسعه اقتصادی تأثیرگذار است. در جدول زیر میزان اثر مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر وابسته و محاسبه کل اثرها نمایش داده شده است که در نتیجه آن روابط با کشورها (در سطح منطقه و بین‌الملل) با ضریب ۰,۷۶۹ بیشترین تأثیر، سپس تعامل با بازیگران غیردولتی، تنظیم معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی و روابط با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌محور به ترتیب با ۰,۶۳۸، ۰,۵۳۶، و ۰,۳۷۸ ضریب تأثیر در رتبه دوم، سوم، و چهارم قرار گرفتند.

جدول ۶. اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای چهارگانه بر توسعه اقتصادی

متغیرها	اثرهای مستقیم	اثرهای غیرمستقیم	کل
روابط با کشورها (در سطح منطقه و بین‌الملل)	۰,۲۹۴	۰,۴۷۵	۰,۷۶۹
تعامل با بازیگران غیردولتی	۰,۲۴۴	۰,۳۹۴	۰,۶۳۸
تنظیم معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی دو یا چندجانبه و مشارکت فعال	۰,۳۲۸	۰,۲۰۸	۰,۵۳۶
روابط با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌محور	۰,۳۷۸	---	۰,۳۷۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توسعه، به‌عنوان مفهومی فراگیر که با همه ابعاد جوامع انسانی گره خورده، در رأس نیازهای بشری قرار گرفته و با افزایش دانش، فهم، و اطلاعات انسان نسبت به جهان پیرامون و ابعاد زندگی، بهبود وضعیت کیفی جوامع زندگی بشری و پیشرفت قابل توجه جوامع پیشرو به‌سوی توسعه‌یافتگی کاملاً ملموس است. به‌طوری‌که امروزه استفاده از واژه‌های توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته برای تفکیک یا طبقه‌بندی کشورها بسیار رایج است. از این‌رو، توسعه‌یافتگی در قالب یک هدف متعالی دغدغه ذهنی نخبگان و پژوهشگران در جوامع بشری است که در قالب سؤالات مختلف مطالعه شده است. به‌طور مثال، آیا همه کشورها می‌توانند مسیر توسعه را طی کنند؟ پیش‌نیازهای توسعه‌یافتگی چیست و با کدام ابعاد زندگی بشری بیشتر مرتبط است؟ مهم‌ترین موانع کشورهای توسعه‌نیافته چیست؟ این سؤالات و سؤالات مشابه مجموع مطالعاتی را در زمینه تاریخ، پیش‌نیازها، و به‌طور کلی مفهوم توسعه و عوامل مؤثر در آن شکل داد که در نتیجه آن با تأکید بر درهم‌تنیدگی ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و حتی تاریخی و ساختاری توسعه، توسعه اقتصادی در صدر ابعاد توسعه و مطالعات آن در کشورها قرار گرفت. اگرچه همواره از عواملی نظیر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی، قدرت سرانه خرید شهروندان و مشابه آن به‌عنوان شاخص‌های توسعه اقتصادی یاد می‌شود، این پژوهش بر این باور است که معیارهای فوق بیشتر بر پایه شاخص‌های کمی ناشی از رشد اقتصادی مبتنی است و کمتر به شاخص‌های کیفی توجه شده است. بنابراین، تلاش شد تا با تمرکز بر مفهوم زیربنایی توسعه اقتصادی و اهمیت آن در زندگی بشری، ابتدا تعریف مشخصی از مفهوم و عوامل تبیین‌کننده توسعه اقتصادی ارائه شود. حاصل مطالعات توسعه اقتصادی در این مقاله، که در نتیجه تنظیم جداول فراوانی شاخص‌ها و تحلیل داده‌های دریافتی از جامعه نمونه استخراج شد، این بود که توسعه اقتصادی در کنار رشد اقتصادی در یک جامعه بهبود کیفیت زندگی شهروندان، تحول ساختاری جامعه به لحاظ سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی، افزایش تولید، سطح درآمد و قدرت انتخاب شهروندان، و کاهش فقر و درنهایت توسعه‌یافتگی را موجب می‌شود.

در نتیجه بررسی نظریه‌های اقتصادی و تجربیات کشورهای درحال توسعه یا موفق در عرصه اقتصادی به مجموعه یافته‌هایی دست یافتیم که مبین تأثیرپذیری فزاینده توسعه اقتصادی از همکاری و تعاملات بین‌المللی با بازیگران و کنشگران دولتی و غیردولتی نظام بین‌الملل است. تعاملاتی که در قالب شاخص‌های برقراری روابط مؤثر و نافذ با «کشورها (در سطح منطقه و بین‌الملل)»، «نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌محور نظیر IMF, UNCTAD, WTO»، و «WB»، «بازیگران غیردولتی نظیر شرکت‌های چندملیتی و فراملیتی» و همچنین «تنظیم معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی دو یا چندجانبه و مشارکت فعال در آن‌ها» هدایت و درنهایت به افزایش قدرت نفوذ و تأثیرگذاری یک کشور در جامعه بین‌الملل و متعاقب آن افزایش سهم از ثروت و منابع جهان منجر می‌شود. همچنین، تحلیل مسیر و آزمون اثرپذیری عناصر تبیین‌کننده توسعه اقتصادی (نظیر کاهش فقر و ...) از متغیرهای اقتصادی نشان می‌دهد که بهبود برخی شاخص‌های اقتصادی نظیر «اقتصاد باز و باثبات»، «جذب سرمایه‌گذاری خارجی» و «توسعه صادرات» نقش مؤثری در بهبود کیفیت روابط خارجی و تعاملات بین‌المللی میان کشورها یا سایر کنشگران نظام منطقه‌ای/بین‌الملل ایفا می‌کند. از همین منظر است که در سیاست‌گذاری تعاملات بین‌الملل کشورها، که امروزه به جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های توسعه اقتصادی و برنامه چشم‌انداز کشورها ارتقا یافته، به بهبود ارکان اقتصادی نظیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ... نیز توجه می‌شود.

این پژوهش، با دغدغه توسعه اقتصادی و آگاهی از نقش فزاینده تعاملات بین‌المللی بر توسعه اقتصادی در نتیجه مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی شاخص‌های اقتصادی و تعاملاتی کشور- که در بیشتر شاخص‌ها از شاخص‌های

جذب سرمایه‌گذاری خارجی تا شاخص‌های کسب‌وکار و ... در وضعیت متوسط رو به پایین قرار دارد. در صدد معرفی عناصر تبیین‌کننده توسعه اقتصادی و سپس تعاملات بین‌المللی و بومی‌سازی این عناصر در تعاملات بین‌المللی برای توسعه اقتصادی کشور برآمد. پس از استخراج اولیه شاخص‌های متغیر وابسته (توسعه اقتصادی) و متغیر مستقل (تعاملات بین‌المللی) از طریق جمع‌آوری داده‌های ثانویه و تعیین مهم‌ترین و پرتواترترین شاخص‌ها بر اساس میزان فراوانی، آن‌ها را از منظر جامعه نمونه متشکل از ۴۲ خبره سیاسی و اقتصادی نهادهای مهم روابط خارجی و بین‌المللی کشور مورد آزمون قراردادیم که از دو بُعد ارزیابی شاخص‌ها و ارزیابی سازگاری آن‌ها در شرایط ایران مورد تأیید قرار گرفت و در آزمون تحلیل مسیر نیز مشخص شد که توسعه اقتصادی با ضریب اثرپذیری بالا به شاخص‌های تعاملات بین‌المللی وابسته است.

نتایج این پژوهش بیانگر این حقیقت است که بسیاری از عناصر مهم توسعه اقتصادی نظیر کیفیت زندگی شهروندان، کاهش فقر، افزایش تولید، سطح درآمد، و قدرت انتخاب شهروندان و تحول ساختاری جامعه به لحاظ سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی با ضریب شدت بالا از شاخص‌های تعاملات بین‌المللی نظیر روابط با سایر کشورها (در سطح منطقه و بین‌الملل) تأثیرپذیری دارد و در حال حاضر و به‌ویژه در نتیجه تحریم‌های سیاسی و اقتصادی در جمهوری اسلامی دست‌خوش چالش‌ها و تنش‌های بسیار است. همچنین، سایر شاخص‌های تعاملات بین‌المللی به ترتیب تعامل با بازیگران غیردولتی، تنظیم معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی، و روابط با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌محور به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توسعه اقتصادی و شاخص‌های آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند و ضروری است برای بومی‌سازی این شاخص‌ها در سیاست‌گذاری و بهبود کیفی تعاملات بین‌المللی تدابیر جدی اندیشیده شود. در دنیای معاصر، تعاملات بین‌المللی و توسعه اقتصادی مانند دو روی سکه‌اند (Linake, 2008: 160). تعاملات بین‌المللی فرصت جذب سرمایه و دریافت آخرین فناوری‌های روز و بسترسازی برای توسعه اقتصادی همگام با سایر کشورها را فراهم می‌کند و جذب سرمایه و تکنولوژی نیز گسترش ارتباطات بین‌المللی و تعامل و نزدیکی بیشتر با شهرهای خلاق و پیشرفته دنیا و در نتیجه افزایش ظرفیت‌های توسعه و نوآوری، رونق اقتصادی، افزایش اشتغال، جذب سرمایه و سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر، و در نتیجه حرکت پویا و سریع‌تر در مسیر توسعه و پایداری اقتصادی را به همراه دارد. بر این اساس، ایجاد فضای تعامل با سایر کنشگران نظام بین‌الملل به ایجاد فضای رقابت، رشد، نوآوری، و خلاقیت و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی شهروندان، تحول ساختاری جامعه به لحاظ سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی، افزایش تولید، سطح درآمد و قدرت انتخاب شهروندان، و در نهایت کاهش فقر می‌انجامد.

سپاس‌گزاری

از کسانی که در این مسیر پژوهشی ما را یاری کردند مراتب قدردانی را به‌جا می‌آوریم: استادان عزیزی که هدایت مسیر را به‌عهده گرفتند و صاحب‌نظران جامعه نمونه که با همراهی و مشارکت هوشمندانه در پاسخ‌گویی به سؤالات و دغدغه‌های مندرج در پرسش‌نامه‌ها کمک مؤثری در بهبود کیفیت این کار پژوهشی نمودند.

منابع

۱. آبراهامسن، ر.، ۱۳۹۱، *پسااستعمارگرایی*، در: *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست‌ویکم*، مارتین گریفیتس، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۲. اسمیت، آ.، ۱۳۵۷، *ثروت ملل*، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: نقش جهان.
۳. افتخاری، ع. و حیدری ساربان، و.، ۱۳۹۶، *توانمندسازی روستایی (اصول بنیادین، رهیافت‌ها، نظریه‌ها، و تجارب)*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۴. بالامی، ا.، ۱۳۹۱، *مکتب انگلیس در نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست‌ویکم*، مارتین گریفیتس (۱۸۵-۲۱۳)، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۵. برادران شرکاء، ح.، و جعفری، آ.، ۱۳۸۸، *چشم‌انداز ۲۰۲۵ عربستان سعودی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۶. برادران شرکاء، ح.؛ جعفری، آ. و کاویانی‌فر، م.، ۱۳۸۷، *چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۷. دیکسون، آ.، ۱۳۸۷، *توسعه و روابط بین‌الملل*، ترجمه حسین پوراحمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. سریع‌القلم، م.، ۱۳۹۶، *سیاست خارجی باید به دنبال تولید ثروت ملی برای کشور باشد*، وبسایت/ایسنا: <http://www.isna.ir/news/96080905011>، دریافت ۱۱، ۰۸، ۱۳۹۶.
۹. لارسون، ت.، و اسکیدمور، د.، ۱۳۷۶، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تلاش برای کسب قدرت و ثروت*، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، تهران: قومس.
۱۰. لینکلتر، ا.، ۱۳۹۱، *نظریه انتقادی*، در: *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست‌ویکم*، مارتین گریفیتس (۱۲۵-۱۵۲)، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۱۱. مک‌میلان، ج.، ۱۳۹۱، *انترناسیونالیسم لیبرال*، در: *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست‌ویکم*، مارتین گریفیتس (۶۷-۹۷)، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۱۲. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، مرکز توسعه صادرات، ۱۳۸۳، *مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت: فرصت‌ها و چالش‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۱۳. مونت، ر. ج.؛ آلموند، گ. آ. و پاول، ب.، ۱۳۸۱، *چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۴. واعظی، م.؛ جنتی، ع. و کرباسیان، م.، ۱۳۹۳، *راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی ج.ا.ا. در شرایط جدید بین‌المللی*، تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن، و کشاورزی.
15. Abrahamsen, R., 2012, *Postcolonialism in international relations theory for the twenty-first century; an introduction*, Martin Griffiths, translator: Alireza Tayeb, Tehran: Ney.
16. Albright, M. K., 1999, *United States Strategic Plan For International Affairs*. Washington.
17. Balami, A., 2012, *English School in international relations theory for the twenty-first century; an introduction*, Martin Griffiths (185-213), translator: Alireza Tayeb, Tehran: Ney.
18. Baradaran Shoraka, Hamidreza and Jafari, Amene, 2009, *Saudi Arabia Perspective (2025)*, Tehran: Center for Strategic Research.
19. Baradaran Shoraka, Hamidreza; Jafari, Ameneh and Kavianifar, Mhboobeh, 2009, *Malaysia Perspective (2025)*, Tehran: Center for Strategic Research.
20. Bilotti, E., 2010, Models of Economic Development from a World-Systems Perspective: Moving Beyond Universalism. *Review (Fernand Braudel Center)*, 33(4): 271-294. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/23346852> <http://www.jstor.org/stable/pdfplus/10.2307/23346852.pdf?acceptTC=true>.
21. Dickson, Anna K., 1997, *Development and international relations*, translator: Hossein Pourahmadi, Tehran: Center for Strategic Research.
22. Eftekhari, Abdolreza Roknedin and Heydari Sarban, Vakil, 2017, *Rural empowerment: fundamental principles*, Tehran: Tabiat Modares.
23. Fawn, R., 2009, Regions and their study: wherefrom, *What for and where to?* 6(July 2007), 5-34. <https://doi.org/10.1017/S0260210509008419>.

24. Institute for Trade Studies and Research, 2004, *Selected papers of the seminar on economic development and membership in WTO*, Tehran: Oppurtunities and Challenges.
25. Lairson, Thomas and Skidmore, David, 1997, *International political economy: the struggle for power and wealth*, translators: Ahmad Saei & Mehdi Taghavi, Tehran, Ghoomes.
26. Linake, N., 2008, An Assessment of Local Economic Development (LED) for Sustainable Development and Poverty Alleviation in Buffalo City Metropolitan Municipality. *Africa's Public Service Delivery & Performance Review*, 151-168.
27. Linklater, Andrew, 2012, *Critical Theory in international relations theory for the twenty-first centur; an introduction*, Martin Griffiths (125-152), translator: Alireza Tayeb, Tehran: Ney.
28. McMillan, James F., 2012, *Liberal Internationalism in international relations theory for the twenty-first centur; an introduction*, Martin Griffiths (67-97), translator: Alireza Tayeb, Tehran: Ney.
29. Mundt, Robert J.; Almond, Gabriel Abraham and Powell, Bingham, 2002, *Comparative politics: a theoretical framework*, translator: Alireza Tayeb, Tehran: Institute for Management of High Education and Research.
30. Najafi, A. and Askari, H., 2012, The Impact of Political Relations Between Countries on Economic Relations. *PSL Quarterly Review*, 65, 247-273.
31. Sariolghalam, Mahmood, 2017, <http://www.isna.ir/news/96080905011>, November 2, 2017.
32. Smith, Adam, 1978, *An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations*, translator: Sirous Ebrahimzadeh, Naghshe Jahan.
33. Vaezi, M.; Jannati, Ali and Karbasian, Masoud, 2014, *Foreign Policy Strategy to improve I.R.I. economic position in new international situation*. Tehran: Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines, and Agriculture.